

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مقدمه

يكي از مباحث بسيار مهمي كه در فقه و باب الصلاة مطرح كرده‌اند، بحث از فروع علم اجمالي است. مرحوم سيد(قدس سره) اين بحث را در كتاب الصلاة عروة الوثقي، در بحث خلل با عنوان «ختم فيه مسائل متفرقة» مطرح فرموده است؛ ديگران نيز مثل مرحوم امام(رضوان الله عليه) در تحرير و همچنين متون ديگر فقهيهي معاصر، اين بحث را متعرض شدند. اين بحث متضمن مباحث مهم علمي است؛ و قواعد مهمي به عنوان پايه و مبناي فروع علم اجمالي مطرح است؛ مثل: قاعدهي لا تعاد، قاعدهي فراغ و تجاوز، اصالة الصحة، بحث انحلال و عدم انحلال علم اجمالي، مسئلهي بناء علي الاكثر، قاعدهي اشتغال، استصحاب. اينها از مباني اين فروع است و اين بحث، يكي از مباحثي است كه به عنوان مباحث کاربردي در اجتهاد مطرح است. قوت اجتهاد و قوت استنباط در اين مباحث به خوبي روشن مي‌شود؛ فقيهي كه تبحر بيشتري دارد، در مباحث علم اجمالي بهتر مي‌تواند وارد شود و اظهار نظر كند. بنابراين، بحث از فروع علم اجمالي از مباحث بسيار مهم است. اين فروع، در كتاب عروة الوثقي در 65 فرع - البته در بعضي از نسخ نيز در 67 فرع - مطرح شده است؛ و روشن است در يك ماه مبارك رمضان نمي‌توانيم همه‌ي اين فروع را تمام كنيم. به حول و قوهي الهي بحث را شروع مي‌كنيم تا ببينيم كه ان شاء الله به كجا منتهي مي‌شود.

مسأله اول از مسائل فروع علم اجمالی

اولين فرع و اولين مسئله اين است: «الأولى: إذا شك في أن ما بيده ظهر أو عصر فإن كان قد صلى الظهر بطل ما بيده، وإن كان لم يصلها أو شك في أنه صلاها أو لا، عدل به إليها». اجمال مسئله اين است كه اگر كسي مشغول خواندن نماز چهار ركعتي است، در اثناء نماز شك مي‌كند آيا اين نماز را به عنوان نماز ظهر شروع كرد، يا به عنوان نماز عصر؟ مرحوم سيد مي‌فرمايند: در اينجا دو فرض داريم؛ فرض اول اين است كه اگر قبل از اين نماز، يقين دارد يك نماز چهار ركعتي به عنوان نماز ظهر خوانده است، در اين صورت، نمازي را كه الآن مشغول به آن هست و چنين شكي براي او عارض شده، باطل است؛ و ظاهر بطلان نيز اين است كه نماز را رها كند و اتمامش هم لازم نيست. اما فرض دوم اين است كه يقين دارد نماز ظهر را نخوانده، يا شك دارد كه نماز ظهر را خوانده است يا نه، در اين صورت، نمازي را كه مي‌خواند، به عنوان نماز ظهر نيّت كند و آن را تمام كند، و بعد، نماز عصر را شروع كند.

بیان مقدمه‌ای در نمازهای یومیه

قبل از آن که فتوای مرحوم سید را بررسی کنیم، لازم است مقدمه‌ای را در اینجا مطرح کنیم؛ و آن مقدمه این است که بر حسب اخبار و روایاتی که داریم، صلوات خمس - نمازهای پنج‌گانه - حقایق اعتباریه‌ی متباینه هستند. نماز ظهر و عصر هر دو به حسب صورت چهار رکعت هستند و به حسب اجزاء و شرایط نیز فرقی ندارند؛ اما به حسب قرائنی که داریم، حقیقت نماز ظهر با حقیقت نماز عصر تباین دارد. اگر کسی اوّل وقت ظهر - که وقت اختصاصی نماز ظهر است - به جای اینکه نیت نماز ظهر کند، عمداً نیت نماز عصر کند، نمازش باطل است؛ و یا اگر در وقت اختصاصی عصر، نیت نماز ظهر کند، نمازش باطل است. در بعضی از روایات مسئله‌ی ترتیب را داریم؛، تعبیری وجود دارد که در السنه‌ی فقها متعارف است مبني بر آن که «إِنَّ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ»، نماز ظهر قبل از نماز عصر است و ترتیب را شارع بین نماز ظهر و عصر معتبر می‌داند. یا در روایات آمده است اگر کسی خیال می‌کرده نماز ظهرش را خوانده و به نیت نماز عصر، نمازش را شروع کرد، «يُنَوِّيهَا ظَهراً» یا «يَجْعَلُهَا ظَهراً»؛ در این روایات، مسئله‌ی عدول بیان شده است. همچنین مسئله‌ی وقت اختصاصی نماز ظهر و عصر، اینها سه قرینه است بر این مطلب که نمازهای یومیه «حقایق متباینه» هستند؛ البته، نه متباینه‌ی تکوینی، بلکه متباینه‌ی از نظر اعتبار شرعی؛ به این معنا که شارع نماز ظهر را به عنوان صلاة ظهر اعتبار کرده است و مصلی باید در آن قصد ظهريت کند؛ یا نماز عصر را باید به عنوان نماز عصر انجام دهد، و قصد عصریت کند.

به تعبیر دیگر، مسئله‌ی قصد نماز ظهر و قصد نماز عصر، از مقومات، اجزا و شرایطی است که در مصلحت واقعیه‌ی عمل دخالت دارد. شما اگر چهار رکعت نماز بخوانید، ولی نه قصد ظهر کنید و نه قصد عصر، عمل شما مصداق برای امتثال واقع نمی‌شود. دو رکعت نماز بخوانید، اما نه قصد فریضه کنید و نه قصد نافله، عملتان مصداق برای هیچ کدام واقع نمی‌شود. قصد، از خصوصیات است که حتی می‌توانیم بگوئیم مثل طهارت و اجزاء نماز می‌ماند؛ همانطور که طهارت و اجزای نماز از مقوماتی است که مصلحت وجوبیه‌ی نماز متقوم به آنها است، قصد ظهريت، قصد عصریت، قصد فریضه، قصد نافله نیز در مصلحت عمل دخالت دارد؛ و به عبارت دیگر، اینها از عناوین قصديه‌اند؛ مثل بحث تعظیم و تحقیر که از عناوین قصديه هستند.

بررسی فرض اول مسأله

بر اساس این مقدمه‌ای که ذکر شد، این شخص اگر از اوّل نماز، قصد نماز عصر می‌کرد، تکلیفش روشن بود. اما الآن در اثنا نماز شك دارد آن قصدي که برای این نماز کرده، قصد نماز ظهر بوده یا نماز عصر؟ فرض اول این بود که شخص یقین دارد نماز ظهرش را خوانده است. مرحوم سید در اینجا می‌فرماید: این نمازی که الآن مشغول به آن هست باطل است. بسیاری از محشّین عروه نیز همین فتوای مرحوم سید را اختیار کردند؛ مثل مرحوم امام، و مرحوم والد ما (رضوان الله علیهما). اما وقتی سایر حواشی را می‌بینیم و بحث را دنبال می‌کنیم، مجموعاً در این فرع هفت نظریه وجود دارد که ابتدا انظار را یکی یکی عرض می‌کنیم.

بیان نظریات موجود در مسأله

نظریه‌ی اول فتوای مرحوم سید و تابعین ایشان است که می‌گویند نمازی را که می‌خواند، باطل است. و عرض کردیم ظاهر عبارت سید این است که نماز را رها کند، و حتی ادامه‌ی نماز لازم نیست و قطعش هم جایز است. چیزی که باطل است، حرمت القطع ندارد.

نظر دوم این است که این نماز مطلقاً صحیح است. این اطلاق در مقابل تفصیلاتی است که بیانش خواهد آمد. مرحوم محقق حائری، حاج شیخ مرتضی (رضوان الله علیه) در کتاب خلل الصلاة و أحكامه، فروع علم اجمالی را مفصلاً مطرح کردند و قائل به صحّت مطلقه است. معنای صحت مطلقه این است که این نماز به عنوان نماز عصر واقع می شود و حتی نیت عدول به نماز عصر را لازم ندارد. مرحوم حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء نیز به صحت مطلقه قائل است و می فرماید: «لا یبطل بل تكون عصرًا».

نظر سوم این است که اگر در حال دخول در نماز عزم بر این داشته که ما فی الذمه ی خودش را انجام بدهد، (در ابتدای نماز قصد داشته آنچه که تکلیف فعلی اش هست و ذمه اش به آن مشغول است را انجام دهد)، نمازش صحیح است و به عنوان نماز عصر واقع می شود؛ هرچند که به حسب ظاهر نیت نماز ظهر کرده بود، اما اگر تصمیمش بر این بوده که تکلیف فعلی اش را انجام بدهد، نمازش صحیح است. مرحوم محقق حائری - مؤسس حوزه - (رضوان الله علیه)، در حاشیه ی عروه این فتوا را دارد.

نظر چهارم را نوهی صاحب جواهر در حاشیه ی عروه قائل است و می فرماید: «یعدل إلى العصر»؛ به عصر عدول کند. فرق بین این قول و قول کسانی که می گویند نمازش، نماز عصر است، بسیار روشن است؛ تكون عصرًا یعنی واقعاً عصر است و نیت عدول هم لازم ندارد، اما یعدل إلى العصر یعنی لازم است عدول به نماز عصر را نیت کند.

قول پنجم نظر مرحوم محقق عراقی است، ایشان رساله ای در فروع علم اجمالی به نام روائع الأمالی فی فروع العلم الاجمالی دارد که به قلم شریف خودشان است؛ ایشان و مرحوم سید احمد خوانساری (رضوان الله تعالی علیهما) قائل اند که این شخص باید احتیاطاً نمازش را تمام کند، و سپس آن را اعاده کند.

قول ششم این است که: «إذا كان قبل الشروع قاصداً لإتيان العصر» اگر قبل از شروع نماز قصد خواندن نماز عصر را داشته، اما الآن نمی داند وقتی شروع کرد چه نیتی داشته است، الآن که در اثنای نماز است، نیت حین الشروع برای او مشکوک است، اینجا می گویند: نمازش به عنوان نماز عصر واقع می شود. و قول هفتم که نظر مرحوم آقای خوئی (قدس سره) در حاشیه عروه است، این است که نمازش باطل است إلا إذا رأى نفسه فعلاً في صلاة العصر و شك في نيته لها من الأول؛ یعنی الآن که در اثنای نماز است، شك می کند از اول نماز، نیت ظهر کرده یا عصر؟

ولی فعلاً خودش را در حال عصر ببیند، نمازش صحیح است؛ اما اگر خودش را فی حال العصر نبیند، نمازش صحیح نیست. پس، در فرض اول - کسی در اول نماز نیتی کرده و در وسط نماز شك می کند آن نیتی که کرده، نیت ظهر بوده یا عصر؟ و یقین دارد قبل از آن نماز ظهر را انجام داده است - هفت نظریه وجود دارد: (1) بطلان مطلق؛ و پنج نظریه هم تفصیل بین موارد است به این صورت که: (3) مرحوم حائری (مؤسس) فرمود: اگر حین الشروع قصد انجام ما فی الذمه را داشته، نمازش، نماز عصر است و صحیح؛ (4) نظر مرحوم خویی این شد که نمازش باطل است مگر آن که خودش را فعلاً در نماز عصر ببیند؛ (5) اگر قبل از شروع، نیت عصر داشته، نمازش صحیح است و به عنوان نماز عصر واقع می شود؛ (6) باید نیت عدول به نماز عصر بکند؛ و (7) نظریه ی مرحوم عراقی که احتیاطاً باید نماز را تمام کند و بعداً آن را اعاده کند. این اقوال در مسأله بود.

بررسی ادله قائلین به صحت

عرض شد در فرض اول مرحوم سیّد یزیدی قائل به بطلان است، اما کسانی که قائل‌اند این نماز صحیح است، چند دلیل برای این مطلب آورده‌اند که عبارت است از: اصالة الصحة، قاعده‌ی تجاوز و مقتضای روایات - که هرچند آن روایات در خصوص این مورد نیست، ولی خواستند از آنها برای ما نحن فیه هم استفاده کنند - .

دلیل اول - اصالة الصحة - و مناقشه در آن

از اصالة الصحة شروع می‌کنیم. کسانی که به اصالة الصحة تمسک می‌کنند، می‌گویند: این شخص در اثناء نماز است و مقداری از نمازش را خوانده است، اگر از اول نیت ظهر کرده باشد، نمازش باطلاً گذشته، و اگر نیت عصر کرده باشد، نمازش تا اینجا صحیح بوده، شک می‌کنیم این عمل صحیح واقع شده یا باطل؟ اصالة الصحة در آن جاری می‌شود و می‌گوید این عمل تا اینجا صحیح بوده و از این به بعد نیز باید نمازش را به عنوان نماز عصر ادامه بدهد و آن را تمام کند، اعاده هم نمی‌خواهد. اما آیا تمسک به اصالة الصحة در اینجا درست است؟ در مجموع سه اشکال به این دلیل وارد شده است. در **اشکال اول** گفتند: اصالة الصحة نسبت به فعل غیر است، و مکلف نسبت به فعل خودش نمی‌تواند اصالة الصحة را جاری کند. اگر شخص دیگری عملی را انجام داد، مثلاً شما نماز استیجاری به طلبه‌ای می‌دهید که بخواند و بعد شک می‌کنید این نماز را درست خوانده یا نه؟ اصالة الصحة جاری می‌کنید که نماز را درست خوانده است. یا کسی معامله‌ای انجام داده، شک می‌کنید معامله‌اش درست بوده یا نه؟ اصالة الصحة در آن معامله جاری می‌کنید. بنابراین، اشکال اول این شد که **إنَّ أصالة الصحة تجري بالنسبة إلى عمل الغير لا بالنسبة إلى عمل نفسه.**

مناقشه در اشکال اول: این اشکال به نظر ما مخدوش است. ما در جای خودش ثابت کردیم ادله‌ی اصالة الصحة عمومیت دارد و عمل خود مکلف را نیز می‌گیرد؛ هرچند که مشهور در السنه این است که اصالة الصحة فقط نسبت به عمل غیر است، و مرحوم آقاي خويي و جمع زیادی به این مطلب قائل هستند؛ اما تحقیق این است که اصالة الصحة هم در عمل غیر جاری است و هم در عمل خود انسان. لذا، جوابی که از این اشکال می‌دهیم، جواب مبنایی است؛ و اساساً این اشکال، اصلاً اشکال نیست؛ اشکال مبنایی اشکال نیست.

اشکال دوم این است که اصالة الصحة در موردی جریان دارد که عنوان عمل محرز باشد. مثلاً بدانم کسی بیعی را انجام داده، و شک کنم این بیع صحیحاً بوده یا فاسداً؟ بدانم کسی بر میت نماز خوانده، شک کنم این نماز صحیحاً بوده یا فاسداً؟ اما اگر کسی کنار جنازه‌ای ایستاده، و من نمی‌دانم که این شخص نماز می‌خواند یا برای میت طلب مغفرت می‌کند، اینجا جای جریان اصالة الصحة نیست. حال، در مانحن فیه عنوان عمل محرز نیست؛ در مانحن فیه نمی‌دانیم از اول نماز تا اینجا که شک کرده، عنوان عصریت برای مصلي بوده است یا نه؟ چطور می‌توانیم با اصالة الصحة در اینجا نماز را تصحیح کنیم؟ اگر از اول نماز تا اینجا عنوان عصریت موجود بود و بعد شک می‌کردیم که این نماز عصر صحیح واقع شده یا نه؟ می‌گفتیم اصالة الصحة جاری می‌شود؛ اما در این فرض مسأله خود عنوان عصریت مشکوک است. این مسأله مثل آن است که پولی را به طلبه‌ای می‌دهید تا نماز استیجاری بخواند؛ اگر شک کنید نماز می‌خواند یا نه؟ نمی‌توانید اصالة الصحة جاری کنید، اما اگر بدانید نماز خوانده و شک کنید صحیح خوانده یا نه؟ می‌توانید اصالة الصحة را جاری کنید و اینجا، جای جریان این اصل است. بنابراین، در جریان اصالة الصحة عنوان باید محرز باشد، در حالی که در مانحن فیه عنوان محرز نیست. و به نظر ما این اشکال، اشکال واردی است.

اشکال سوم در کلمات مرحوم محقق عراقی آمده است؛ به این صورت که اصالة الصحة عنوان اصل عملی را دارد، و اگر

بخواهیم با اصالة الصحة اثبات کنیم آنچه تا به حال واقع شده، به عنوان عصریت واقع شده، این می شود اصل مثبت. اینجا این نکته را عرض کنم که مرحوم محقق عراقی (اعلی الله مقامه الشریف) نظری بر خلاف مشهور دارد؛ مشهور می گویند نماز همین اجزاء، ارکان و شرایط است، منتهی قصد عصریت هم باید به آن ضمیمه بشود؛ اما ایشان مطلب بالاتری می گوید، و آن اینکه هر جزئی باید ناشی از قصد عصریت باشد. مرحوم عراقی می گوید: با اصالة الصحة می توانیم بگوئیم آنچه که تا اینجا انجام شده، صحیح است، اما نمی توانیم اثبات کنیم که هر جزئی ناشی از قصد عصریت است.

مناقشه در اشکال سوم: اشکالی که همه بر نظر مرحوم عراقی وارد کردند، این است که آن مقدار که دلیل داریم، این است که نماز را با قصد عصریت بیاورد، اما اینکه هر جزئی ناشی از قصد عصریت باشد، دلیلی بر آن نداریم؛ لذا، ادعای ایشان بلا دلیل است. اصل این اشکال بر اساس مبنای خود ایشان درست می شود که اصالة الصحة می گوید آنچه تا حالا خوانده صحیح است، اما اگر بخواهد اثبات کند هر جزئی ناشی از این قصد بوده، می شود اثر عقلی، و اصالة الصحة آثار عقلیه را ثابت نمی کند و می شود اصل مثبت. اما کلام در این است که این مبنای ایشان باطل است. نتیجه این شد که بر دلیل اول قائلین به صحت نماز - که اصالة الصحة است - سه اشکال وارد شده است که از میان آنها فقط اشکال دوم وارد است مبنی بر آن که در جریان اصالة الصحة عنوان باید محرز باشد و در ما نحن فیه عنوان محرز نیست. در جلسه آینده ان شاء الله دلیل دوم را که استدلال به قاعده تجاوز است مطرح خواهیم کرد که آقایان حتماً این مسئله را ببینند.

منابع بحث

منابع این بحث را نیز عرض کنم. در این بحث، از مرحوم آقای خوئی (قدس سره) دو تقریر وجود دارد، یکی با نام الدرر الغوالی فی فروع العلم الاجمالی که مرحوم آقای لطفی این کتاب را نوشته اند و چند سال پیش جامعه مدرسین آن را چاپ کرده است؛ یکی هم در جلد 19 موسوعه ایشان آمده است که این قسمت را مرحوم شهید شیخ مرتضی بروجردی (رضوان الله تعالی علیه) نوشته اند؛ و اینها دو تقریر مختلف از مرحوم آقای خوئی است. کتاب سوم، روائع الأمالی مرحوم عراقی است؛ منبع چهارم کتاب خلل الصلاة و أحكامه مرحوم محقق حائری است؛ کتاب دیگر، مستمسک مرحوم آقای حکیم است. و بالاخره هر کسی که عروه را شرح کرده است، به بحث خلل که رسیده، این مسائل را نیز شرح کرده است. این هم منابع بحث.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِیْنَ.